

هفتادسالگی خاموشی پروین اعتصامی



نوشین شاه‌رخی

چهارشنبه ۱۷ فروردین ۱۳۹۰ - ۶ آوریل ۲۰۱۱

گفت‌وگو با دکتر جلال خالقی مطلق

نوشین شاه‌رخی در گفت‌وگو با استاد جلال خالقی مطلق - ۷۰ سال از مرگ پروین، رخننده اعتصامی، شاعر پرآوازه‌ی ایرانی می‌گذرد. شاعری که در سن جوانی خاموش گشت، اما اشعارش همواره در دل‌ها زنده‌اند. در همین رابطه گفت‌وگویی داشته‌ایم با دکتر جلال خالقی مطلق، استاد ایران‌شناسی دانشگاه هامبورگ.

می‌دانیم که پروین در سال ۱۲۸۵ در خانواده‌ای فرهنگی به دنیا می‌آید، تحصیل می‌کند در ۲۸ یا ۲۹ سالگی ازدواجی ناکام را از سر می‌گذرانند که یکی دو ماهی بیش به طول نمی‌انجامد. آقای دکتر خالقی، چه نکات دیگری را می‌توان به‌طور اجمالی به این شرح حال افزود؟

اینکه پدرش یوسف اعتصامی خود مردی ادیب و مترجم و دوست ملک‌الشعراء بهار و دیگر ادبای روزگار خود بود؛ اینکه پروین در کالج دخترانه‌ی آمریکایی در تهران تحصیل کرده بود؛ اینکه او دختری خجول بوده؛ و اینکه در ۱۵ فروردین ۱۳۲۰ در ۳۵ سالگی به بیماری حصبه درگذشته است.

آقای دکتر متینی ده سال پیش در مجله‌ی ایران‌شناسی به احتمال خودکشی پروین اشاره کرده است.

شایعه‌ی خودکشی یا قتل پروین را هم شنیده‌ام، ولی درباره‌ی درستی یا نادرستی آن هیچ چیز نمی‌دانم. فقط مایل‌م به این نکته اشاره کنم که در کشوری مانند ایران که شایعه‌سازی سخت رواج دارد و روشنفکران آن شدیداً سیاست‌زده‌اند و دوست دارند از هرچیز به سود آرمان سیاسی خود بهره‌گیری کنند، باید به این‌گونه اخبار و نظریات تا زمانیکه درستی آن‌ها با دلایل قاطع ثابت نشده است، تردید کرد.

سرگذشت انتشار دیوان پروین به عنوان شاعری زن در آن زمانه چگونه بود؟

در ایران، پیش از پروین نیز زنان شاعر کم نبودند و بی‌تردید تعداد واقعی آن‌ها خیلی بیش از این بوده که در تذکره‌ها و تألیفات دیگر ثبت شده است. ولی متأسفانه اشعار بیشتر آن‌ها یا به کلی از دست رفته و یا تنها ابیاتی چند از آن‌ها به جای مانده است و این یکی از ستم‌های بزرگی است که در ایران به زنان عموماً و به زنان سخنور به‌ویژه وارد شده است. شاید بزرگ‌ترین علت از دست رفتن اشعار آن‌ها،

عدم استقلال مالی آنها و بی‌توجهی همسران و پدران و دیگر مردان جامعه به اشعار آنها بود. البته رواج صنعت چاپ در زمان پروین از خطر نابودی برخی آثار کاسته بود، ولی در مورد دیوان پروین به گمان من بدون پی‌گیری و علاقه‌ی شدید برادرش ابوالفتح اعتصامی به چاپ دیوان خواهر خود، شاید دیوان او نیز تمام و کمال به دست ما نمرسید، به‌ویژه اگر در نظر بگیریم که پروین در جوانی درگذشت و خود فرصت چاپ اشعارش را نیافت.



پروین همواره شاعری پرآوازه و محبوب نسل‌ها بوده. دلیل این محبوبیت را چه می‌بینید؟

علت این محبوبیت اشعار پروین، هم در موضوعات اشعار اوست، هم در زبان و شیوه‌ی بیان او، و هم در قالبی که برای اشعارش برمی‌گزیند. موضوع اشعار پروین در درجه‌ی اول تبلیغ عدالت اجتماعی و دفاع از طبقه‌ی محروم جامعه، و دیگر لزوم سوادآموزی و گسترش دانش و مبارزه با جهل و نادانی و تعصب، و نیز دفاع از حقوق زنان است.

ویژگی‌های زبان پروین را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

زبان پروین دارای دو ویژگی است. یکی اینکه در عین حال که بسیار استوار و ادبی است، تعداد زیادی از واژه‌های زبان روزمره را در خود پذیرفته است، بدون آنکه به فصاحت شعر او لطمه‌ای بخورد. و اما ویژگی دوم زبان پروین در صمیمیت بیان اوست. پروین به کمک شی‌گِردهای دیگر شعر خود، اعتقادات خود را به خواننده، از هر طبقه‌ای که باشد و دارای هر پایه‌ی تحصیلاتی که باشد، به آسانی انتقال می‌دهد. و اما منظور من از قالب‌گزینش داستان‌گونه‌هایی برای قالب بیان موضوعات است. پروین با ساختن این داستان‌ها دیگر ناچار نیست که نظریات خود را یکسویه و شعارگونه بیان کند، بلکه آنرا در دهان اشخاص موافق و مخالف می‌گذارد و درنتیجه عقاید خود را از نه فقط بیان، بلکه نمایش می‌دهد، بویژه در مواردی که برای این کار قالب مناظره یا پرسش و پاسخ را برمی‌گزیند.

اشاره کردید به مناظره‌های پروین، ساختار این مناظره‌ها چگونه‌اند؟

اشخاص مناظرات پروین تنها انسان‌ها نیستند، بلکه چنانکه در مناظرات دیگر نیز هست، اشیاء نیز نقش دارند، ولی در شعر پروین اصولاً «شخص‌سازی اشیاء» (پرسُنیفیکاسیون) اهمیت زیادی دارد. این چهار ویژگی که برشمردم، یعنی گزینش موضوعاتی از میان مسائل جامعه، زبان فاخر ادبی آمیخته به واژه‌های روزمره، صمیمیت بیان و گزینش قالب، در مجموع از شعری پروین شعری ساخته‌اند با فردیت و استقلال هنری ویژه خود. به نبوغ پروین بهتر پی می‌بریم، اگر مدت عمر او را نیز در نظر بگیریم.

پروین تا چه اندازه به احساسات زنانه در اشعارش پرداخته است؟

بعضی‌ها و بیشتر بانوان به پروین ایراد گرفته‌اند که در شعرش از احساسات زنانه اثری نیست. این ایراد هم نازمان است و هم تاحدی

نادرست. نازمان بدین معنی که این خرده‌گیران گمان می‌کنند که پروین در سال‌های پیش از ۱۳۲۰ می‌توانست از عواطف و روابطی سخن بگوید که امروزه زنان شاعر ما می‌توانند سخن بگویند، به‌ویژه آنهایی که در خارج از ایران زندگی می‌کنند و این خود نشان می‌دهد که نقش محیطی که شاعر در آن زندگی می‌کند تا چه حد است. با این‌حال اشعار پروین از احساسات ظریف زنانه به‌کلی بی‌بهره نیست.

در پایان چه صفاتی را برای شخصیت پروین می‌توان بیان داشت؟
پروین جز معلومات ادبی و تسلط شگفت‌انگیز بر گنجینه‌ی واژگان فارسی، از فلسفه و ادیان و تاریخ نیز بی‌اطلاع نبوده است. پروین شاعری است استاد، با معلومات، روشنفکر، اخلاقی، حسّاس و برخوردار از وجدانِ بیدارِ اجتماعی.

نوال السعداوی:



زنان باید متحد شوند و روی پای خود بایستند

شنبه ۲۸ اسفند ۱۳۸۹ - ۱۹ مارس ۲۰۱۱

ما با مبارزه‌ای در کنار هم موفق خواهیم شد، ما باید در کنار هم بجنگیم ما نیازمند همبستگی هستیم... همبستگی جهانی، همبستگی کشورهای عربی، همبستگی ایرانیان، ما نیازمند بودن در کنار یکدیگریم، در همه‌ی کشورها ما به همبستگی در میان مردم نیاز داریم، این مردمی هستند که متفاوتند ولی در کنار هم مبارزه می‌کنند، مشکل ما دولت است.

تغییر برای برابری - سوسن طهماسبی: به دنبال انقلاب مصر، کمیته‌ای برای اصلاحات در قانون اساسی تشکیل شد. عدم توجه این کمیته به خواست‌ها و حقوق زنان در مصر برای زنان مصری مایه شگفتی بود، این کمیته هیچ عضو زنی نداشت و به خواست‌ها و مطالبات زنان بی‌توجه می‌نمود، 63 سازمان و نهاد مدافع حقوق زنان در مصر به این موضوع اعتراض کردند. بنا به همین دلیل زنان مصری برای برگزاری راهپیمایی میلیونی هشت مارس دست به کار شدند، تا در صدمین سالروز هشت مارس، ضمن گرامی‌داشت این روز، خواسته‌ها و حقوق خود را نیز بار دیگر عنوان کنند. زنان ایرانی و در واقع همه‌ی زنان خاورمیانه و شمال آفریقا به دقت تحولات خاورمیانه را در ارتباط با حقوق زنان زیر نظر داشتند. ما می‌دانیم که هر دستاوردی برای زنان در منطقه، چه در مصر، تونس، عراق، یا افغانستان باشد، دستاوردی است برای همه زنان. در خلال سفر کوتاهی که نوال السعداوی به واشنگتن برای

مصاحبه با کریستین امانپور داشت، من شانس این را داشتم که گفتگوی کوتاهی با او داشته باشم. او تاکید ویژه ای بر لزوم همبستگی جهانی با زنان مصر و خواسته هایشان داشت، به ویژه در مورد هشت مارس و راهپیمایی که برای آن برنامه ریزی کرده بودند، در ادامه گفته های نوال را در این مورد می خوانید:

به ما در مورد موقعیت فعلی در مصر بگویید؛ پس از انقلاب چه اتفاقی برای حقوق زنان افتاد؟

پس از انقلاب، ما در مصر دستاوردهایی داشته ایم، مبارک رفت، تعدادی از مردان او نیز به همراه نخست وزیر رفتند ولی حقوق زنان هنوز به رسمیت شناخته نمی شود، چرا که از زنان کسی در کمیته ی بازنگری قانون اساسی عضویت ندارد. پس ما از میدان تحریر بازگشتیم و دو تصمیم گرفتیم: اول آنکه برای هشت مارس تظاهراتی میلیونی تدارک ببینیم و دوم اینکه اتحادیه زنان را دوباره احیا کنیم چرا که بدون اتحاد چیزی به دست نخواهیم آورد. ما به بعضی خواسته هایمان در انقلاب مصر رسیدیم چرا که متحد شدیم. میلیون ها مصری در خیابان ها و در میدان تحریر با هم متحد شدند. پس ما از زنها هم می خواهیم، میلیون ها زن، که با هم متحد شوند و با مردانی که به راه ما اعتقاد دارند، بر علیه مردسالاری؛ بر علیه ستم طبقاتی و بر علیه استعمار خارجی و مهمتر از اینها متحد شوند برای حقوق زنان. فکر می کنید که می توانید یک تظاهرات میلیونی با این اهداف داشته باشید؟

چرا که نه؟ در واقع این ایده از زنان جوان مصری آمده است. آنها بعد از تظاهرات میدان تحریر پیش من آمدند و گفتن که ما باید برای هشت مارس یک تظاهرات میلیونی داشته باشیم و من موافقت کردم! بله این عالی است ما باید این کار را انجام دهیم.

مصر کشوری با جمعیت جوان است، بین 70 تا 80 درصد جمعیت مصر را جوانان زیر 30 سال تشکیل می دهند، این نسل متفاوت در مصر است، آنها بیشتر نسبت به حقوق زنان پذیرا هستند، بیشتر آنها تحصیل کرده هستند، ولی هنوز هم افراد زیادی هستند که با برابری زنان موافق نیستند، محافظه کارانی هستند که با این موضوع مخالفت می کنند، گمان می کنید تا چه حد با مقاومت این نیروهای محافظه کار و گروههای دیگر در برابر ترویج حقوق برابر زنان روبه رو شوید؟

البته که آنها برای به عقب راندن ما مبارزه خواهند کرد، و تنها محافظه کاران هم نیستند، نیروهای دست راستی، بعضی گروههای مذهبی، مسلمانان و مسیحیان، گروههای متعصب مذهبی و همینطور جریان های وابسته با قدرتهای نئو کلنیال، چرا که ما نمی توانیم خارج را از داخل جدا بدانیم، یا منطقه را از دنیا. چه کسی مبارک را حمایت می کرد؟ آمریکا و اسرائیل، چه کسی عربستان سعودی را حمایت می کند؟ همان قدرت های خارجی و حتی قذافی، حتی او هم از جانب نیروهای خارجی به خاطر نفت حمایت می شود و حالا مردم این کشورها هستند که در برابر این دیکتاتورهای می ایستند و انقلاب می کنند دیکتاتورهای

مورد حمایت دولت های خارجی به خاطر نفت ولی مردم از این موضوع آگاهند ، حتی کسانی که تحصیلات دانشگاهی ندارند هم از این موضوع آگاهند و برای همین هیچ وقت قدرت های نیوکلیال خارجی را از دیکتاتورهای داخلی جدا نمی کنند.

آیا فکر می کنید که مردم برای حقوق برابر زنان به خیابان خواهند آمد؟ چرا که همانطور که می دانید برخی معتقدند که اسلام برای زنان و مردان خواستار نقش های متفاوت و حقوق متفاوت است، با این وجود فکر می کنید که اکثریت مردم مصر برای دفاع از حقوق زنان به خیابان خواهند آمد؟

بله ! البته! حتی زمانی که ما در میدان تحریر بود، میلیون ها نفر، حتی نسل های جوانتر اخوان المسلمین، کسانی که همه را از آنها ترسانده اند، آنها در تفکرات خود سکولار هستند. به خاطر تحصیلات عالیه شان، آگاهیشان، به اندازه ی رهبرانشان مذهبی یا محافظه کار نیستند. من آنها را در میدان تحریر دیدم، به سمت من آمدند و مرا در آغوش کشیدند. بله نسل جوان اخوان المسلمین! آنها به من می گفتند : "ما کتاب های شما را خوانده ایم و با برخی نظرات شما موافقیم و با برخی نه ! ولی شما را دوست می داریم و به شما احترام می گذاریم ، ما به یک قانون اساسی سکولار و به مصری سکولار اعتقاد داریم."

و به نظر شما سکولار بودن به معنای احقاق حقوق زنان است ؟

بله البته! شما نمی توانید تحت لوای یک دولت مذهبی حقوق زنان را به دست آورید ، داشتن حکومتی سکولار اولین گام است. فکر می کنید ما در منطقه برای حمایت از یکدیگر چه می توانیم بکنیم؟ چرا که همانطور که شما می دانید زنان در کشورهای مسلمان منطقه برای حقوق خود می جنگند، چه با زمینه ی سکولار و چه با زمینه ی مذهبی در ایران، در مصر، عربستان سعودی... و حتی اینجا در ایالات متحده ، در ویسکانسین و ...

بله! ولی من فکر می کنم تفاوت این است که در کشورهای ما، مبارزه ی ما برای حقوق برابر، اغلب به عنوان اینکه خواسته و مفهومی غربی است، رد شده است. آنها می گویند که حقوق اسلامی متفاوت است، غربی با شرقی متفاوت است. به همین ترتیب بسیاری از این حکومت ها از حمایت های غرب استقبال می کنند، ولی زمانی که نوبت به حقوق زنان می رسد می گویند که این مفهومی غربی است و بد ! با این همه ما چطور می توانیم این موضوع را از آن خود کنیم؟

دقیقا! ما با مبارزه ای در کنار هم موفق خواهیم شد، ما باید در کنار هم بجنگیم ما نیازمند همبستگی هستیم ...همبستگی جهانی، همبستگی کشورهای عربی، همبستگی ایرانیان، ما نیاز مند بودن در کنار یکدیگریم، در همه ی کشورها ما به همبستگی در میان مردم نیاز داریم، این مردمی هستند که متفاوتند ولی در کنار هم مبارزه می کنند، مشکل ما دولت است، منافع، نفت، پول، زمین، بنابراین مردم ایران باید به این حرکت بپیوندند، مردم ما باید بپیوندند، مثل

همین حالا، این اولین باریست که من و شما یکدیگر را می بینیم. ما باید ارتباطمان را از این پس از طریق اینترنت حفظ کنیم. چرا که نمی توانیم همیشه دیدار حضوری داشته باشیم، پس باید از طریق اینترنت با هم در ارتباط باشیم تا این همبستگی را بسازیم. ما سالها در ایران هشت مراسم را جشن می گرفتیم. ولی زنان ایران با شرایط دشواری رو به رو هستند، بنابراین شاید نتوانند به خیابان بروند، البته، ما همیشه برای به خیابان آمدن در هشتم مارس با مقاومت روبه رو بوده ایم، ولی امسال به نظر می رسد شرایط از همیشه سخت تر استو آیا شما برای زنان ایرانی به مناسبت هشت مارس پیامی دارید؟

توصیه ام اینست که میلیونها نفر از آنها به خیابان ها بروند، همان کاری که زنان مصر باید بکنند، وحتی اینجا در آمریکا! آنها باید تلاش کنند که بر روی دولت خود نفوذ پیدا کنند. کریستین امانپور از من می پرسد که ما چطور می توانیم به شما کمک کنیم؟ من به کمک کردن اعتقادی ندارم، به همبستگی و برابری اعتقاد دارم، زنان باید متحد شوند و روی پاهای خود بایستند، بنابراین مردم باید کمک کنند و زنان باید متحد شوند. در این زمانه ما اینترنت، فیس بوک و گردهم آیی ها را داریم. ما به دو چیز نیاز داریم تا پرده را از جلوی ذهن برداریم، چرا که خطرناک ترین چیز پرده ای است که ذهن را می پوشاند و این رسانه است که پرده ای جلوی ذهن ما می گیرد همان کاری که آموزش بد و سیاست می کند. ما به دو چیز نیاز داریم تا اذهانمان را باز کنیم و نیروی خود را سازمان بدهیم. ما به شبکه سازی و سازمان دهی نیاز داریم، چطور می توانیم با زنان ایرانی این سازمان دهی را بکنیم؟ از طریق اینترنت. مترجم: نفیسه ی آزاد

این مصاحبه پیش از برگزاری مراسم روز هشت مارس در مصر انجام شد، متأسفانه این راهپیمایی پایانی نه چندان خوب داشت، در مورد اتفاقات این روز می توانید این مطلب را بخوانید.
www.1millionchange.info

“ذات حکومت دینی با زنستیزی گره خورده است”

مهرداد درویش پور
پنجشنبه ۱۹ اسفند ۱۳۸۹ - ۱۰ مارس ۲۰۱۱
اعتراض به اجباری شدن حجاب در اسفند ۵۷ اولین حضور مستقل زنان در



ابعاد توده‌ای بود

در تاریخچه سی و دو ساله حکومت اسلامی در ایران، به ویژه در دو سال اخیر، شاهد این واقعیت بوده‌ایم که زنان تا حدی حضوری مستقل در مبارزات همگانی داشته‌اند. تا پیش از این دوره، زنان در مبارزات اجتماعی، از انقلاب مشروطه گرفته تا انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ به طور موثر حضور داشتند، ولی تا قبل از روی کار آمدن حکومت اسلامی، به نوعی دنباله‌رو شعارهای همگانی بودند و خصلت مستقلی نداشتند.

اما در اسفند ۵۷ و در اولین هشت مارس بعد از روی کار آمدن جمهوری اسلامی در ایران، زنان با اعتراضشان به اجباری شدن حجاب، برای اولین بار یک جنبش مستقل زنان را در ابعاد توده‌ای به نمایش می‌گذارند.

در طی این سی و دو سال، زنان ایران تحت تأثیر سه روند، به نوعی خودآگاهی جنسیتی دست یافته‌اند؛ عامل نخست، خود حاکمیت جمهوری اسلامی، به عنوان حکومتی است که زن‌ستیزی، ایدئولوژی رسمی آن بوده و باعث شده است که نوعی خودآگاهی جنسیتی در بین زنان افزایش پیدا کند.

عامل دوم، تجربه مبارزات سیاسی همگانی و از جمله خود انقلاب است که زنان به عنوان بخشی از جنبش همگانی در آن شرکت داشتند. این تجربه باعث شد آنها دریابند که می‌بایست خواسته‌هایی مستقل را نه تنها در برابر حکومت، بلکه در برابر دیگر گروه‌های سیاسی مطرح کرد و از نوعی استقلال‌طلبی و کلام زنانه سخن گفت.

عامل سوم، تجربه روند جهانی شدن است که از طریق رسانه‌ها، رفت و آمدها و مهاجرت ایرانیان باعث شده است که زنان ایرانی به نوعی آگاهی از آخرین دستاوردهای زنان جهان دست یابند.

این سه عامل باعث شده‌اند که خودآگاهی زنانه در جامعه ایران به میزان قابل توجهی رشد کند و این روند به نوبه خود، تأثیر شگرفی بر تحولات اخیر ایران، چه در دوران اصلاحات و چه در جنبش سبز داشت. در دوره اصلاحات، اساساً جوانان و به‌ویژه زنان، نقشی کلیدی در به قدرت رسیدن محمد خاتمی و عقب رانده شدن بنیادگرایان در آن زمان داشتند. اما تجربه نشان داد که اصلاح‌طلبان نیز از زنان به عنوان نوعی سیاهی لشکر استفاده می‌کنند. حتی برای برخی اصلاح‌طلبان، خواسته‌های مرتبط با مسائل زنان، نوعی خط قرمز بود و آنها اصلاً شعارهای مربوط به زنان را مطرح نمی‌کردند.

چنین شرایطی باعث شد که بسیاری از زنان، تا حدی از اصلاح‌طلبان سرخورده شوند و احساس کنند که این طیف از سیاستمداران هم با دیدگاهی مبتنی بر شعار "اول اصلاحات، بعد حقوق زنان" آنها را

نادیده می‌گیرند.

در نهایت، این روند باعث شد که خودآگاهی زنان به بیشتر به جنبش‌های مدنی و نافرمانی مدنی گرایش پیدا کند. کمپین یک میلیون امضا و ائتلافها و نهادهایی که علیه سنگسار، اعدام و حقوق کودک تشکیل شده‌اند، از جمله مواردی است که زنان در آنها نقش بسیار برجسته‌ای دارند. تشکیل و فعالیت چنین نهادهایی، نشانگر رویکرد بیشتر زنان به حوزه جامعه مدنی بود و استقلال‌طلبی آنها را از پروژه‌های سیاسی نشان می‌داد.

در آخرین انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۸ هم خودآگاهی جنسیتی باعث شد که فعالان در حوزه زنان، این بار به جای آن که از یک نامزد انتخابات در برابر نامزد دیگری دفاع کنند، به جنبش مطالبه‌محور خود ادامه دهند که این روند هم نشانگر رشد خودآگاهی جنسیتی در بین زنان است.

درعین حال، حضور زنان در جنبش سبز ایران، به قدری قدرتمند بود که برخی تحلیلگران، به دلیل پیش‌قراولی زنان در آن، از جنبش سبز ایران به عنوان "انقلابی زنانه" نام برده‌اند. با این حال، اگرچه زنان در جنبش سبز ایران حضوری قدرتمند و پیشاپیش داشتند، ولی باز خودآگاهی جنسیتی در دوره‌ای از فعالیت‌های جنبش سبز، در سایه قرار گرفت.

در دوره‌ای از این روند، شعارهای فراگیر عمومی مثل "رای من کجاست؟" و شعارهایی علیه محمود احمدی‌نژاد، حکومت ایران و ولی فقیه، محوری شدند و شعارهای مستقل زنانه جایگاه چندان برجسته‌ای پیدا نکردند که این امر را هم می‌توان از ایرادهای جنبش زنان دانست که در جریان تحولات، دنباله‌رو جنبشی همگانی شدند و شعارهای مستقل خود را مطرح نکردند و هم ایراد اساسی‌تر را در جنبش سبز ارزیابی کرد که با تکیه بر خواسته‌های همگانی، مجال چندان برای طرح خواسته‌های جنبش‌های دیگر، از جمله جنبش زنان باقی نگذاشت.

برابری زن و مرد، درگرو جدایی دین از سیاست است

برای ارزیابی دلایل زن‌ستیزی در جمهوری اسلامی ایران باید این واقعیت را در نظر داشت که اندیشه‌های دینی در طول تاریخ، چه در جامعه ایران و چه در سطح جهانی، به دلیل بافت پدرسالار ادیان، خصلتی زن‌ستیزانه داشته‌اند و بر تبعیض علیه زنان استوار بوده‌اند.

جدایی دین از دولت، فقط امری مربوط به شکلی از یک نظام سیاسی نیست و در پس این شعار، موضوع "نفی امتیاز" نهفته است؛ نفی امتیازی که به نام دین، مردانگی، مذهب یا هر نام دیگری توجیه می‌شود. جدایی دین از دولت، به معنای این است که انسان‌ها در برابر قانون و دولت برابر هستند و دولت باید در برابر انسان‌ها، مستقل

از تعلق جنسی، قومی یا مذهبی آنها رفتاری یکسان داشته باشد. با در نظر داشتن این واقعیات، می‌توان نتیجه گرفت که بین سکولاریسم و برابری زنان و مردان، رابطه‌ای تنگاتنگ وجود دارد و نمی‌توان تصور کرد که نظامی دینی بر جامعه حاکم باشد و زن‌ستیزی، از اصلی‌ترین حوزه‌های تبعیض در این نظام نباشد. تجربه جمهوری اسلامی در ایران هم نشانگر همین واقعیت بود. ضمن آن که نفس حاکمیت دینی، به معنای تبلیغ تبعیض و خارج کردن دولت از حوزه بی‌طرفی در برابر شهروندان است.

با چنین دیدگاهی، اگر ما خواستار برابری حقوق مردان و زنان در مقابل قانون و در همه حوزه‌های اجتماعی هستیم، لازم است که نظامی سیاسی داشته باشیم که در آن دین و دولت جدا باشند و حقوق بشر مبنای تنظیم روابط دنیوی باشد. به این معنا که اندیشه و اصل ضدتبعیض، کلیدی‌ترین اصل و مبنای سیاستگذاری در جامعه در نظر گرفته شود. زیرا ذات حکومت دینی با زن‌ستیزی گره خورده است و نمی‌توان خواستار برابری زنان و مردان بود، ولی از جدایی دین و دولت صحبت نکرد.

در شرایط امروز نیز جنبش زنان نه فقط با شعار برجیدن تبعیض علیه زنان، بلکه باید با شعار لغو تمام قوانین تبعیض‌آمیز و ضدزن قانون اساسی (از جمله لغو حجاب اجباری) و در واقع، با شعار تغییر قانون اساسی به میدان بروند.

۸ مارس روز جهانی زن

را به همه زنان و همه انسانهای آزادیخواه که برای برابری زنان مبارزه می‌کنند تبریک می‌گوئیم.

از آنروزی که روز جهانی زن به ثبت رسیده است، ۱۰۰ سال می‌گذرد و ۸ مارس بدنبال نقطه آغازی برای مبارزه به رسیدن حقوق مساوی بین زن و مرد در دنیا رسماً روز زن اعلام گردید. صد سال پیش در محل خانه جوانان کپنهاک صدها تن از زنان آزاده و سوسیالیست و کمونیست از کشورهای مختلف گرد هم آمدند تا پرچم مبارزه ای جهانی علیه نابرابری و ستمگری علیه زنان را برافرازند. صد سال تلاش و مبارزه میلیونها زن و مرد آزاده و برابری طلب برای پاک کردن و برجیدن

همه مظاهر ستمگری علیه زنان از قید و بندهای فرهنگی، مذهبی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی که به قدمت هزاران سال بر نیمی از جهان بشریت روا شده است در سراسر جهان در جریان است. با وجود صدسال تلاش وجنانفشانی هنوز در این دنیای مدرن شاهد این نابرابریها هستیم. امیدواریم با جدا کردن دین از قانون اساسی بتوانیم برابری را در مقابل قانون بوجود آوریم. برای رسیدن به این منظور هنوز باید تلاش جدی و بی امانی را بر علیه نظام سیاسی و اقتصادی و فرهنگی مدافع زور، سرکوب، شکنجه و اعدام و خشونت است را ادامه داد و خسته نگردیم. این مبارزه مشترک میلیونها زن و مرد آزاده و برابری طلب سراسر جهان است.

زنان ایرانی همچنان بدون حمایت قانون و دولت از زنان از موقعیتی درجه دوم در جامعه بسر میبرند و اسیر نظام مردسالار با حمایتی دولتی و قانونی از این امر هستند. در سه شنبه ۸ مارس ما هم گام با هزاران هزار مردم آزاده در داخل و خارج از ایران به خیابان می‌آییم ورشگستگی و جنایت رژیم زن ستیز اسلامی را اعلام کنیم. ما با صفی مستقل و بدور از سازشکاران و اصلاح طلبان سبز و طرفداران قانون اساسی اسلامی و جنایتکاران بقایای خمینی به استقبال ۸ مارس میرویم. با پرچم مطالبات و شعارها و آرمانهای بنیانگذاران ۸ مارس که در خور همه زنان آزاده جهان است در محل تولد ۸ مارس شهر کپنهاک مقابل امنیسی اینترناسیونال از ساعت ۱۷ تا ۱۸ به خیابان می‌آییم. به همین مناسبت نیز گروه کار زنان کتابخانه کلوپ پوینده بعد از پایان تظاهرات ۸ مارس برنامه‌های تدارک دیده است که شامل عکس از زنان کار ایران در مناطق مختلف ایران (اسلاید) و سپس بحث و گفتگو و جشن پیرامون جنبش زنان برگزار میکند .

زمان: سه شنبه ۸ مارس از ساعت ۱۹ تا ۲۲

ورود برای همه علاقمندان آزاد است.

Korsgade19, 2200 København N

صد سال مبارزه زنان برای

برا بری

پس از هزاران سال تبعیض